

کلیات

آیا هرگز از خود پرسیده‌اید که اگر گُلها زیبا نبودند، اگر ستاره‌ها زیبا نبودند، اگر ماهیها زیبا نبودند و در یک کلام اگر هستی زیبا نبود چه می‌شد؟

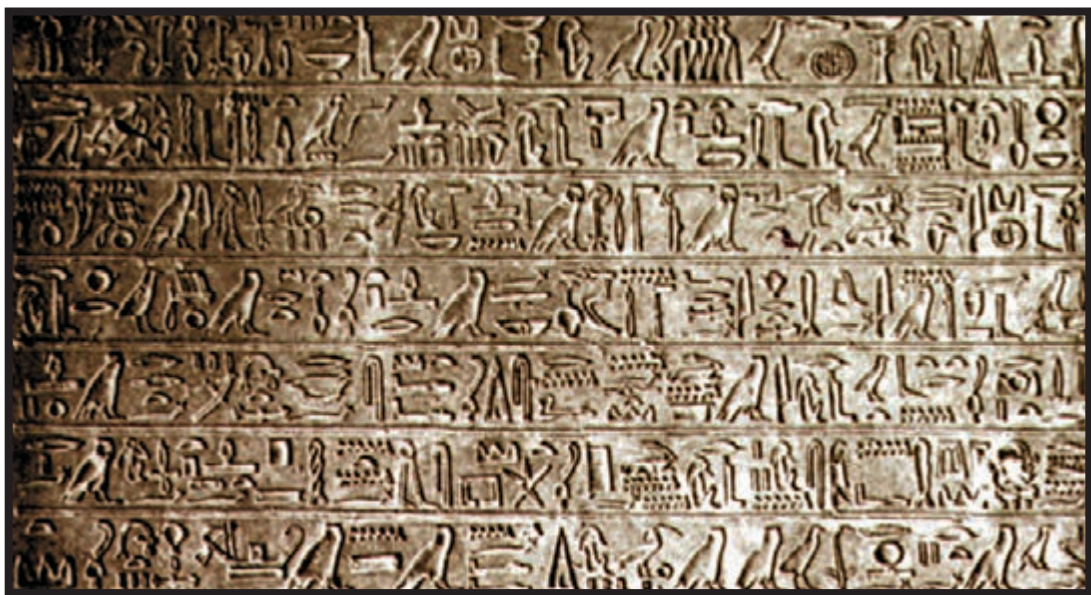
و اگر هستی بخش بی‌همتا همه‌چیز را زیبا می‌آفرید، اما توانایی درک زیباییها را در سرشت ما نمی‌نهاد چه پیش می‌آمد؟

خوشبختانه هستی زیباست و خدای مهربان ما را به گونه‌ای آفریده است که نه تنها به درک زیباییها قادریم، بلکه توانایی خلق زیبایی را نیز داریم.

حضور عنصر زیبایی، در نقاشیهای دوران غارنشینی و سفالینه‌ها و دست ساخته‌های کوچک و بزرگ دوره‌های بعد تا مصنوعات و پدیده‌های مدرن و فوق مدرن امروزی همه نشان‌دهنده وابستگی و دلبستگی همیشگی انسان به زیبایی است. به عبارت دیگر، آدمی هرچه ساخت آن را با زیبایی درآمیخت.

خط نیز به عنوان یکی از بزرگترین اختراعات بشری از این قاعده مستثنی نبوده است، و در طول تاریخ، آدمیان با تلفیق خط و زیبایی انواع خوشنویسی را پدید آورده‌اند.

جوامع اولیه بشری، برای ورود به دوره تمدن، به وسیله ارتباطی جدیدی نیازمند بود تا فارغ از محدودیتهای ارتباط شفاهی، بتواند فراتر از بعد مکان و زمان امکان ثبت و انتقال افکار، مقاصد و مفاهیم مختلف را فراهم آورده ارتباط پایدارتر انسانها را با یکدیگر برقرار سازد. برای اختراع چنین وسیله‌ای، هنر طراحی و نقاشی که از دیرینه‌ترین وسیله‌های ارتباط آدمی بود مورد استفاده قرار گرفت و انسانها با ساده‌تر کردن نقوش و اشکال، به اختراع خط تصویری، نایل آمدند. یکی از بارزترین نمونه‌های این نوع خط، خط هیروگلیف است که حدود پنج‌هزار سال پیش در مصر رواج داشته و از چپ به راست نوشته می‌شده است (تصویر ۱-۱).

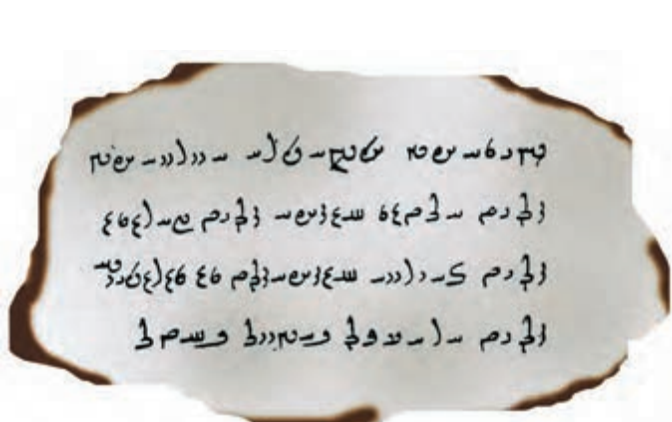


تصویر ۱-۱- خط هیروگلیف

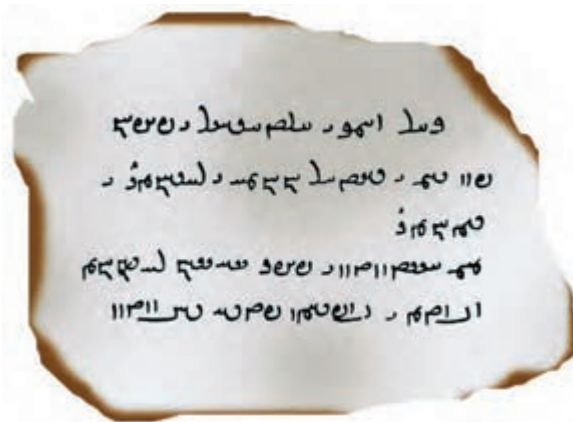
معنا	تصویر	بابلی جدید ج ۱۰۰ ق ۲۰	آشوری جدید ج ۷۰۰ ق ۲۰	بابلی قدیم ج ۱۷۰۰ ق ۲۰	آکدی قدیم ج ۱۹۰۰ ق ۲۰	آشوری قدیم ج ۲۲۰۰ ق ۲۰	سومری کلاسیک ج ۲۴۰۰ ق ۲۰ میخی خطی	تصویرنگارها جدت نصر ج ۳۱۰۰ ق ۲۰ ج ۲۸۰۰ ق ۲۰ ۹۰۰ جرخش بالا به پایین	اوروک
جلوی سر	گردن + سر								
انسان	بدن پوشیده								
پرند	پرند								
گاو	سر گاو								
آسمان بهشت خدا	ستاره								
آب، پدر	آب، پدر، پسر								
قطع زمین درخت									

تصویر ۱-۲- سیر تکاملی خط تصویری به خط میخی

خطوط تصویری در سیر تکامل خود، به تدریج از نقوشها و طرحهای ساده به علائم و نشانه‌های رمزگونه و قراردادی تغییر شکل یافت و به اختراع خطوط الفبایی منجر گردید، که اغلب صاحب نظران آن را بزرگترین اختراع بشر و بارزترین نشانه ورود به دوره تمدن و اساسی‌ترین عامل پیشرفت علمی و فرهنگی بشر در طول تاریخ به حساب آورده‌اند. در ایران باستان، خطوط متعددی متداول بوده است. کهن‌ترین این خطوط، خط میخی ایرانی است که از خط میخی تمدنهای بین‌النهرین اقتباس شده است. این خط دارای ۴۲ علامت بود و از چپ به راست نوشته می‌شد. کتیبه‌های فراوانی از این نوع خط بر جای مانده که مربوط به دوره هخامنشیان است. بعدها در دوره اشکانی، ایرانیان به اختراع خط پهلوی نایل آمدند که همانند خط میخی از چپ به راست نوشته می‌شد اما به لحاظ ساختار، به کلی با آن متفاوت بود. بعدها در زمان ساسانیان با اقتباس از خط پهلوی، خطی جدید وضع شد که برای نوشتن اوستا به کار رفت و به خط اوستایی شهرت یافت. آنچه در این خطوط (پهلوی و اوستایی) قابل توجه و تأمل است وجود خطوط منحنی، گردیها و دندانه‌ها در الفبای آن است که این ویژگیها در انواع خط و خوشنویسی بعد از اسلام ایرانیان نیز به وضوح دیده می‌شود.



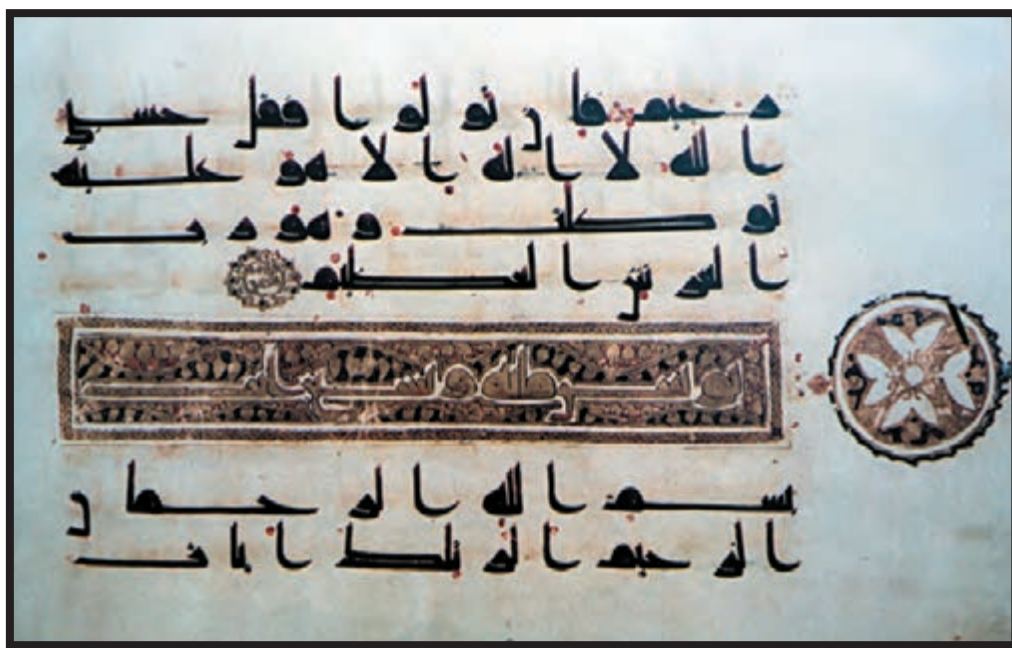
تصویر ۱-۴- خط اوستایی



تصویر ۱-۳- خط پهلوی

هرچند تلفیق خط و زیبایی در تمامی تمدنها و فرهنگها، به اشکال گوناگون صورت پذیرفت، اما آنچه در دوران شکوفایی فرهنگی و تمدن اسلامی، به دست هنرمندان مسلمان به وقوع پیوست و به پیدایش انواع خوشنویسی اسلامی منجر شد، بی گمان نقطه اوج هنرنمایی آدمی در عرصه خط و خوشنویسی است. در این دوران درخشان هنر خوشنویسی به چنان مرتبه‌ای از تکامل و تعالی رسید که از زیانگاری و زیبانویسی محض، به نوعی نقاشی انتزاعی و هنری قدسی ارتقا یافت. عشق و علاقه وصف‌ناپذیر مسلمانان به کتابت کلام وحی که عبادتی بزرگ محسوب می‌شد موجب گشت تا آنان تمام توان خود را در هرچه زیباتر نوشتن قرآن به کار گیرند و در نهایت، به ابداع انواع خوشنویسی اسلامی نایل آیند و در مدتی کوتاه چنان آثار شگفت‌انگیزی در زمینه خط و خوشنویسی پدید آورند که در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر سابقه نداشته است.

خط کوفی اولین خطی است که برای کتابت و تزئین کلام وحی به کار رفت و تا قرن سوم تنها خط رسمی مسلمانان محسوب می‌شد. این خط، در شیوه‌های بسیار متنوع نوشته می‌شد به طوری که مردم هر منطقه دارای شیوه خاصی در نگارش آن بودند. ایرانیان نیز با پذیرش اسلام، این خط را در نگارش قرآن به کار گرفتند و به شیوه‌ای خاص دست یافتند که بعدها به نام کوفی ایرانی شهرت یافت.



تصویر ۵-۱- صفحه‌ای از قرآن به خط کوفی — ۳۲/۲×۲۲/۵ cm — (قرن ۳ ه.ق)

یکی از مهمترین وقایع هنری این دوره درخشان، ابداع خط نسخ بود که به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران در اواخر قرن سوم هجری توسط ابن مقبله ابداع شده بود و به اعتقاد برخی دیگر، این خط پیش از ابن مقبله وجود داشته اما وی آن را با ایجاد تناسبات دقیق و بر مبنای مقیاسی معین تکامل بخشیده است. در هر صورت، ابن مقبله بی گمان بزرگترین و خلافت‌ترین هنرمند تاریخ خط و خوشنویسی است، زیرا آنچه را که او به نام نسخ ابداع کرد یا تکامل بخشید پیش از آنکه نوعی خوشنویسی محسوب شود نوعی خط است. خطی که سهولت فراگیری خواندن و نوشتن آن نسبت به خط کوفی موجب گسترش «سواد» با شتابی چشمگیر در بین مسلمانان شد و در پیشرفت علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی اساسی‌ترین نقش را ایفا کرد.



تصویر ۱-۶- خط نسخ - شمس‌الدین بایسنقری - ۲۵×۳۵ cm -
(قرن ۹) - هرات

ابتکار و خلاقیتی را که این نابه‌ایرانی در ساختار نسخ به کار برد، چنان است که امروزه بعد از گذشت بیش از ۱۲ قرن همچنان خط رایج کشورهای اسلامی است. و هنوز هم در مقام مناسبترین نوع خوشنویسی در کتابت قرآن کریم به کار می‌رود (تصویر ۱-۶).

از دیگر انواع خوشنویسی که در این دوران ابداع شد می‌توان ثلث، توقیع، رقا، ریحان و محقق را نام برد که این مقله در ابداع و تکامل همه آنها نقش اساسی داشته است. وی که از اهالی شیراز بود و در بغداد خدمت می‌کرد و در حکومت بنی عباس تا مقام وزارت ارتقا یافته بود سرانجام به دستور خلیفه دست راستش قطع گردید و به دنبال آن، در زندان دارالخلافه به قتل رسید.

هنرمندان ایرانی که در ابداع و تکامل انواع خوشنویسی اسلامی نقش اساسی داشتند و در آفرینش آثار خوشنویسی و نیز کاربرد آن در صنایع دستی و معماری پیشتاز و سرآمد بودند، در حدود قرن هفتم هجری خوشنویسی تعلیق را برای نگارش متون فارسی ابداع کردند. این نوع خوشنویسی، دارای اتصالات بدیع بود و خطوط منحنی به کار رفته در ساختار آن، استعداد و توان شگرف ایرانیان را در نوآوری و خلاقیت هنری نشان می‌داد (تصویر ۱-۷). اما هنوز طبع لطیف ایرانی و نگاه عارفانه و عاشقانه وی به هستی و هستی‌آفرین، نیازمند نوعی نابتر از خوشنویسی بود تا در آینه آن به تمامی، خود را باز نمایند. در حدود قرن هشتم هجری این حادثه خجسته به وقوع پیوست و خوشنویسی نستعلیق ابداع شد. در ساختار این نوع خوشنویسی، خطوط منحنی که نرمی، زیبایی، شادی و مهربانی را القا می‌کند چنان هنرمندانه به کار رفت، که در مدتی کوتاه به



تصویر ۷-۱- تعلیق - صفحه اول حکمت الاشراق
سهروردی به خط سید محمد المنشی سلطانی -
اندازه اصلی ۲۱×۳۴ cm - (قرن ۹ هـ)



تصویر ۸-۱- نستعلیق - به خط میرعماد -
(اوایل قرن ۱۱ هـ) - ۲۲×۳۸ cm

عروس خطوط شهرت یافت. در هندسه روحانی نستعلیق، زیبایی، تناسب، هماهنگی و استواری در حد کمال به هم آمیخت و هنری نمادین از نگاه عارفانه ایرانیان به هستی و عشق آنان به یگانه محبوب جمیل هستی آفرین و مهرورزیشان به سرزمین ایران و زبان فارسی شکل گرفت و بارزترین نمود هویت ملی در هنر، پدید آمد (تصویر ۸-۱).

نستعلیق با دستهای هنرمند میرعلی تبریزی در اوایل قرن نهم، نظام یافت و با ابتکار و خلاقیت میرعماد بزرگ در اوایل قرن یازدهم کاملتر شد و با هوشمندی میرزا محمد رضا کلهر در قرن سیزدهم بر زیباییش افزوده شد و نیز برای به کارگیری در صنعت چاپ، اندک تغییراتی یافت و در همین دوران خوشنویسان هنرمندی چون میرزا غلامرضا اصفهانی و میرحسین، با نگاهی تازه به جنبه‌های تجسمی و تصویری نستعلیق، سیاه مشقهای جاودانه خود را آفریدند. علاوه بر این ستارگان بزرگ، هنرمندان و خوشنویسان بسیاری تا به امروز در این وادی کوشیده‌اند و در تطوّر و تکامل خوشنویسی نستعلیق عاشقانه تلاش کرده‌اند (تصویر ۹-۱).



تصویر ۹-۱- سیاه مشق نستعلیق - میرزا غلامرضا اصفهانی - (قرن ۱۳ هـ)

در اواخر قرن دهم، هنرمندان ایرانی خوشنویسی شکسته نستعلیق را با اقتباس از نستعلیق و تعلیق پدید آوردند. این خوشنویسی جدید و زیبا که با سرعت بیشتری نسبت به نستعلیق نوشته می‌شد، در مکتوبات رسمی و تنظیم اسناد و نامه‌نگاریهای روزمره مورد استفاده قرار گرفت. علاوه بر آن، هنرمندان بسیاری در جهت خلق آثار

هنری از این نوع خوشنویسی بهره گرفتند و در تکامل آن کوشیدند که از آن جمله می‌توان محمدقلی خان شاملو، محمد شفیع هروی (قرن یازدهم هـ)، درویش عبدالمجید طالقانی (قرن دوازدهم هـ) علی اکبر گلستانه و میرزا غلامرضا اصفهانی (قرن سیزدهم هـ) را نام برد (تصویر ۱۰-۱).



تصویر ۱۰-۱- شکسته نستعلیق - جلیل رسولی (معاصر) - ورق طلا - مرکب